

بررسی عوامل تأثیر گذار بر انگیزه پیشرفت دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر، ورودی ۸۸-۱۳۸۷

دکتر یدالله رجائی^۱

چکیده

در مباحث آموزشی، عوامل انگیزشی به عنوان یکی از شاخصهای اصلی و یکی از متغیرهای اثر گذار در موفقیت و پیشرفت تحصیلی است. مطالعه حاضر با هدف پی بردن به رابطه انگیزه پیشرفت با متغیرهای مورد مطالعه و شناسایی سهم هر یک از متغیرها در پیش بینی انگیزه پیشرفت، بر روی کلیه دانشجویان ورودی سال تحصیلی ۸۸-۱۳۸۷ دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر، صورت گرفته است. داده‌ها با استفاده از فرم دموگرافیک، پرسشنامه انگیزه پیشرفت هرمنس و پرسشنامه پذیرش اجتماعی کراون و مارلو جمع‌آوری شدند. نتایج حاصل از آزمون همبستگی حاکی از آن است که سن، درآمد خانواده و هزینه‌های تحصیل رابطه منفی معنادار و پذیرش اجتماعی رابطه مثبت معنادار با انگیزه پیشرفت دارند. بین شهریه و انگیزه پیشرفت رابطه معناداری به دست نیامد. نتایج تحلیل رگرسیون گام به گام نشان داد که پذیرش اجتماعی، درآمد خانواده، هزینه‌های تحصیل و سن قادر به تبیین ۳۷٪ واریانس انگیزه پیشرفت بودند.

واژه‌های کلیدی:

انگیزه پیشرفت، پذیرش اجتماعی، درآمد خانواده، سن، هزینه‌های تحصیل، شهریه، دانشجوی

^۱استادیار و عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ابهر، گروه اقتصاد، ابهر، ایران

مقدمه

مقوله انگیزش و ارضای نیازهای انسان یکی از مباحث مهم و اساسی در بحث آموزش عالی است و یکی از عوامل مؤثر در افزایش عملکرد و کارآیی می‌باشد (ثمری و رسول‌زاده، ۱۳۸۷). انگیزه‌ی پیشرفت (Motivation Achievement) عبارت است از هدف و انگیزه درونی فرد که نسبت به رسیدن به اوج و خودیابی و عرصه‌های مختلف در ذهن می‌پروراند و روبرو شدن با تمام خواسته‌ها و ناکامی‌ها جهت رسیدن به هدف نهایی (شکرکن، ۱۳۸۳). بخشی از پژوهش‌های مک کلند (MacClland) در زمینه نیاز پیشرفت به چگونگی تکوین و پیدایش این انگیزه مربوط است. به اعتقاد وی پیدایش انگیزه پیشرفت در افراد به شیوه‌های تربیتی والدین آنها بستگی دارد. افراد دارای نیاز پیشرفت، در محیط‌هایی پرورش می‌یابند که از آنان انتظار کفایت و لیاقت می‌رود و در سنین پایین به آنها استقلال داده می‌شود و اقتدارگرایی پدری اندکی وجود دارد و عاری از سلطه‌گری مادری هستند (مک کلند؛ نقل از شاملو، ۱۳۸۵). افرادی که نیاز زیاد به پیشرفت دارند، در مقایسه با افراد دارای نیاز کم به پیشرفت، به جای تکالیف آسان، تکالیف نسبتاً دشوار تا دشوار را انتخاب می‌کنند، آنها به جای اینکه از تکالیف پیشرفتی طفره روند یا کلاً از آنها اجتناب کنند، فوراً به این تکالیف می‌پردازند، آنها در تکالیف نسبتاً دشوار، تلاش بیشتری به خرج می‌دهند و عملکرد بهتری دارند، زیرا غرور آنها را نیرومند می‌کند، آنها در صورت رو به رو شدن با مشکل یا شکست در تکالیف نسبتاً دشوار، بیشتر استقامت می‌کنند، و به جای اینکه درصد کمک گرفتن از دیگران برآیند یا از آنها توصیه بخواهند، مسئولیت موفقیت‌ها و شکست‌ها را می‌پذیرند (شولتز و شولتز، ۱۳۷۹).

مهمترین نظریه‌های تبیین کننده عوامل ایجاد انگیزه موفقیت و پیشرفت، شامل نظریه سلسله مراتبی مازلو (Maslow)، نظریه دو عاملی هرزبرگ (Hersberg) (عوامل بهداشت روانی و انگیزاننده‌ها) و مک کلند و مدل رفتار پیشرفت اتکینسون (Atkinson) است. در تئوری هرزبرگ یک سری از عوامل با عنوان عوامل بر انگیزاننده و یک سری دیگر از عوامل تحت عنوان عوامل بقاء نامگذاری شده‌اند، بطوریکه ارضاء این نیازها باعث تلاش فرد و در نتیجه توفیق می‌گردد. طبق نظریه دو عاملی هرزبرگ (انگیزش - بهداشت) عوامل ارضاکنده‌ای که متضمن احساس کسب موفقیت و رشد حرفه‌ای است و شناسایی و احترامی که فرد می‌تواند در یک کار توأم با تلاش و چشم‌انداز تجربه کند، به عنوان انگیزاننده‌ها نامیده می‌شود. هرزبرگ به این دلیل این اصطلاح را بکار برد که عوامل مذکور

منتج به افزایش قابلیت بازدهی کلی فرد می‌گردند. مک کلند معتقد است که نیاز به کسب موفقیت، انگیزه انسانی مشخصی است که می‌توان آنرا از سایر نیازها متمایز ساخت. بر اساس نظریه مک کلند نیازهای اساسی انسان به سه گروه نیاز به موفقیت، نیاز مربوط به همبستگی و نیاز به کسب قدرت تقسیم می‌شود (ثمری و رسول‌زاده، ۱۳۸۷).

اتکینسون (۱۹۵۷، ۱۹۶۴؛ نقل از شولتز و شولتز، ۱۳۷۹) مدل رفتار پیشرفت را مطرح کرد. وی معتقد بود که نیاز به پیشرفت فقط تا اندازه‌ای رفتار پیشرفت را پیش‌بینی می‌کند. رفتار پیشرفت، علاوه بر نیاز سرشتی فرد به پیشرفت، به احتمال موفقیت او در تکلیف و ارزش تشویقی که افراد برای موفق شدن در آن تکلیف قائل هستند نیز بستگی دارد. از نظر اتکینسون، برخی تکالیف احتمال موفقیت زیاد دارند، در حالی که تکالیف دیگر احتمال موفقیت کم دارند. در ضمن، مشوق برخی تکالیف برای موفقیت، بیشتر از تکالیف دیگر است. رفتار پیشرفت به صورت گرایش به موفقیت تعریف شده است. سه عامل تعیین‌کننده عبارتند از: (۱) نیرومندی نیاز فرد به پیشرفت، (۲) درک احتمال موفقیت و (۳) ارزش تشویقی موفقیت در آن تکلیف خاص.

انگیزه پیشرفت متأثر از عوامل مختلف از جمله جنس، سن، موقعیت اقتصادی-اجتماعی، هوش، شخصیت افراد و می‌باشد. مؤلفین در بررسی نقش جنسیت در انگیزه پیشرفت به نتایج متناقضی دست یافتند. نتایج مطالعات عبداللهی (۱۳۷۰) و زارع (۱۳۷۳) نشان داد که جنسیت فرد در انگیزه پیشرفت تأثیر ندارد. اما نتایج تحقیق ابراهیمی (۱۳۸۴) حاکی از آن است که در بسیاری از دختران انگیزه پیشرفت قوی دیده می‌شود. باقری (۱۳۸۴) معتقد است تفاوت‌های جنسی در ترس از موفقیت معنی‌دار نیست. مردان و زنان از نظر انگیزه پیشرفت با یکدیگر مشابه هستند و ترس از موفقیت در هر دو جنس به یک میزان مشاهده می‌شود.

نتایج تحقیق زارع (۱۳۷۳) در زمینه رابطه بین سن و انگیزه پیشرفت در نمونه دانش‌آموزی رابطه معناداری را در برداشت. شکرکن (۱۳۸۳) بر اساس نتایج تحقیقات خود معتقد است که هر چه سن آغاز به کارگیری استقلال آموزی، تسلط آموزی و مراقبت آموزی پایین‌تر باشد، میزان انگیزه پیشرفت بیشتر است. به عبارت دیگر، اگر والدین استقلال، تسلط و مراقبت آموزی پسرانشان را از سنین پائین آغاز کنند این پسران احتمالاً از انگیزه بالاتری برخوردار خواهند بود.

ابراهیمی (۱۳۸۴) در بررسی رابطه کانون کنترل، ترتیب تولد، جنسیت و طبقه اجتماعی با انگیزه پیشرفت در دانشجویان ایرانی نشان داد که بین ترتیب تولد و انگیزه پیشرفت رابطه معنی‌داری وجود دارد. بعلاوه این یافته نیز بدست آمد که بین طبقه اجتماعی و انگیزه پیشرفت رابطه معنی‌داری وجود ندارد. در ادامه نتایج حاصل از پژوهش نشان داد که سه عامل ترتیب تولد، کانون کنترل و طبقه اجتماعی به شکل متعامل در انگیزه پیشرفت سهم دارند. همچنین بین کانون کنترل و انگیزه پیشرفت نیز رابطه معنی‌داری به دست آمد. بررسی تطبیقی انگیزه پیشرفت در طبقات اجتماعی نشان داد که طبقه اجتماعی بر انگیزه پیشرفت فرد اثر گذار است. به عبارت دیگر انگیزه افراد تحت تأثیر ساختارهای اجتماعی است. محقق با بررسی عوامل مؤثر بر انگیزه پیشرفت که عبارت بودند از سطح آرزوها، عزت نفس، خود اثر بخشی، اعتماد اجتماعی، رضایت شغلی، شیوه تربیتی دوران کودکی و تقدیرگرایی به این نتیجه رسید که طبقه اجتماعی بالا نسبت به طبقه عادی از تقدیرگرایی بالایی برخوردار بودند (جعفری، ۱۳۸۵).

نتایج پژوهش سپاه منصور (۱۳۸۶) در بررسی تأثیر آموزش مهارت‌های زندگی بر انگیزه پیشرفت، خود احترامی و سازگاری اجتماعی، حاکی از آن است که آموزش مهارت‌های زندگی، در ارتقای میزان انگیزه پیشرفت، خود احترامی و سازگاری دانشجویان مؤثر است. باکر (۲۰۰۳) در مطالعه طولی تأثیر حل مسأله بر سازگاری با دانشگاه و انگیزه پیشرفت به این نتیجه دست یافت که توانایی حل مسأله تأثیر مستقیم بر سازگاری روانی - اجتماعی با دانشگاه و انگیزه پیشرفت دارد. همچنین در پژوهشی دیگر نقش ارزشها و انتظارات دانشجو در تعداد واحدهای درسی گذارنده شده توسط دانشجو و انگیزه پیشرفت وی مؤثر گزارش شده است (بورینسما، ۲۰۰۴).

طاهری و مقامی (۱۳۸۷) در مقایسه انگیزه پیشرفت، سلامت روان و خودپنداره تحصیلی دانشجویان رشته روان‌شناسی دانشگاه‌های دولتی، آزاد و غیرانتفاعی شهر تهران در سال تحصیلی ۱۳۸۳-۸۴، به این نتیجه دست یافتند که (۱) بین انگیزه پیشرفت دانشجویان دانشگاه دولتی، آزاد و غیرانتفاعی تفاوت معناداری وجود ندارد، (۲) سلامت روان دانشجویان دانشگاه دولتی به طور معناداری بیشتر از سلامت روان دانشجویان دانشگاه آزاد است، (۳) خود پنداره تحصیلی دانشجویان دانشگاه دولتی به طور معناداری بیشتر از خود پنداره تحصیلی دانشجویان دانشگاه آزاد و غیرانتفاعی است، (۴) پسران از انگیزه پیشرفت بیشتری نسبت به دختران برخوردارند، (۵) بین سلامت روان و خود پنداره تحصیلی دانشجویان دختر

و پسر تفاوت معناداری مشاهده نشد، ۶) خودپنداره تحصیلی دانشجویان پسر دانشگاه دولتی به طور معناداری بیشتر از خودپنداره تحصیلی دانشجویان پسر دانشگاه غیرانتفاعی است، ۷) بین متغیرهای انگیزه پیشرفت، سلامت روان و خودپنداره تحصیلی رابطه معناداری وجود دارد، ۸) سلامت عمومی دانشجویان پسر دانشگاه دولتی به طور معناداری بیشتر از سلامت عمومی دانشجویان پسر دانشگاه آزاد است، ۹) از نظر انگیزه پیشرفت، سلامت روان و خود پنداره تحصیلی بین دانشجویان دختر سه نوع دانشگاه فوق‌الذکر تفاوت معناداری مشاهده نشد.

یافته‌های پژوهش بوساتو، پرینس، الشوت و هاماکر (۲۰۰۶) نشان داد، هوش و موفقیت تحصیلی با انگیزه پیشرفت رابطه مثبت دارند. همچنین در این پژوهش بین نتایج اولین آزمون در دوره تحصیل دانشگاهی با انگیزه پیشرفت رابطه معنادار گزارش شده است. بر اساس یافته‌های پژوهش تاجوند (۱۳۸۵)، عملکرد تحصیلی با متغیرهای هوش، خزانه لغات کل آزمونیهها، خزانه لغات آزمونیههای پسر، انگیزه پیشرفت و مدت عضویت در کتابخانه‌های کانون، همبستگی معنی‌دار نداشت. اما بین عملکرد تحصیلی و متغیرهای اطلاعات عمومی، خزانه لغات آزمونیههای دختر و میزان تحصیلات والدین همبستگی مثبت ملاحظه شد. همچنین بین سن اعمال شیوه‌های فرزندپروری و متغیرهای عملکرد تحصیلی، مدت عضویت، اطلاعات عمومی و خزانه لغات، همبستگی منفی معنی‌دار مشاهده گردید. با توجه به مرور مبانی و تحقیقات انجام شده، می‌توان به این نتیجه رسید که مطالعه عوامل انگیزشی در آموزش عالی و نحوه بهره‌گیری از این عوامل از رویکردهای مؤثر برای تسریع در دستیابی به اهداف آموزشی می‌باشد. هدف کلی این پژوهش بررسی عوامل تأثیرگذار بر انگیزه پیشرفت بوده است. در راستای این هدف کلی رابطه پذیرش اجتماعی، درآمد خانواده، هزینه‌های تحصیل و سن با انگیزه پیشرفت بررسی شده و سهم هر یک از متغیرهای مذکور در تبیین انگیزه پیشرفت مشخص شده است.

روش

جامعه آماری، نمونه و روش اجرای پژوهش

جامعه پژوهش شامل کلیه دانشجویان مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد ورودی سال ۸۸-۱۳۸۷ دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهر می‌باشد. تعداد کل دانشجویان مقاطع

کارشناسی و کارشناسی ارشد که در مهر ماه سال ۸۸-۱۳۸۷ وارد دانشگاه شده‌اند ۱۵۹۶ نفر می‌باشد که به تفکیک دانشکده عبارتند از: ۶۰۳ نفر دانشکده علوم انسانی، ۱۶۷ نفر دانشکده کشاورزی، ۸۲۶ نفر دانشکده فنی - مهندسی. با توجه به این که کل دانشجویان مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد ورودی ۱۳۸۸-۱۳۸۷ به عنوان نمونه انتخاب شده است، نمونه پژوهش شامل ۱۵۹۶ نفر است. اما با توجه به غیبت و عدم حضور برخی دانشجویان در روز اجرای پرسشنامه‌ها و یا عدم تمایل به شرکت در پژوهش، و با توجه به این که موارد بدون پاسخ ۱۵۰ پرسشنامه در حدی بود که نباید وارد تحلیل می‌شدند، در نهایت ۹۷۲ پرسشنامه مورد تحلیل قرار گرفتند.

روش اجرا به صورت گروهی بوده و همکاران پژوهش پس از انجام هماهنگی‌های لازم، با مراجعه به کلاسها و ارائه معرفی‌نامه، پرسشنامه‌ها را در اختیار دانشجویان قرار دادند. زمان لازم برای تکمیل پرسشنامه‌ها حدود ۲۰ دقیقه بود. لازم به ذکر است که برای محرمانه ماندن اطلاعات شخصی افراد، از پاسخ دهنده‌ها خواسته شده بود پرسشنامه‌ها را بدون ذکر نام تکمیل کنند و به آنها اطمینان داده شده که اطلاعات آنها محرمانه بوده و به صورت گروهی تحلیل خواهد شد.

ابزارهای پژوهش

فرم اطلاعات دموگرافیک و اطلاعات اقتصادی، اجتماعی: در این فرم مشخصات فردی شامل جنس، سن، وضعیت تأهل، رشته تحصیلی، میزان تحصیلات والدین، شغل والدین، میزان درآمد خانواده، تعداد اعضاء خانواده، نوع مالکیت محل سکونت (شخصی، استیجاری)، بومی و غیربومی بودن، شغل، شهریه، داشتن علاقه به رشته تحصیلی و هزینه‌های تحصیل مورد سوال قرار گرفت.

پرسشنامه انگیزه پیشرفت هرمنس: این پرسشنامه دارای ۲۹ سوال می‌باشد که ۹ ویژگی زیر را می‌سنجد: بالا بودن سطح آرزو، انگیزه بالا جهت ارتقاء، مقاومت بالا در مواجهه با تکالیف با سطح دشواری متوسط، ادراک پویا از زمان، تمایل به تلاش مجدد در انجام تکالیف نیمه تمام، آینده‌نگری، توجه به ملاک شایستگی و لیاقت در انتخاب دوست و همکار، بازشناسی از طریق عملکرد خوب در کار و انجام دادن کار به نحو احسن. سوالات پرسشنامه به صورت جملات ناتمام به همراه ۴ گزینه می‌باشد. دامنه نمرات از ۲۹ تا ۱۱۶ است.

پرسشنامه پذیرش اجتماعی: این پرسشنامه توسط کراون و مارلو (Crown, Marlowe) ساخته شده و دارای ۳۳ سوال می‌باشد که به صورت صحیح و غلط پاسخ داده می‌شود. نمرات بالاتر نشان دهنده تمایل به پذیرش اجتماعی بیشتر است. در تحقیق صدق‌پور، محمودیان و سلمانیان، (۱۳۸۸) آلفای کرونباخ گزارش شده برای این پرسشنامه ۰/۷۵ می‌باشد.

یافته‌ها

برای آزمون رابطه بین متغیرها از روش همبستگی استفاده شد. جدول ۱ همبستگی و مشخصه‌های آماری نمره‌های انگیزه پیشرفت، سن، پذیرش اجتماعی، درآمد خانواده، شهریه و هزینه‌های تحصیل را نشان می‌دهد.

متغیرها	۱	۲	۳	۴	۵	۶
۱. سن						
۲. انگیزه پیشرفت	۰/۰۹۰**					
۳. پذیرش اجتماعی	۰/۰۴۵	۰/۱۲۵**				
۴. درآمد خانواده	۰/۰۰۰	۰/۱۱۷**	۰/۰۴۷			
۵. هزینه‌های تحصیل	۰/۱۰۲**	۰/۰۸۶**	۰/۰۲۷	۰/۰۰۵		
۶. شهریه	۰/۲۴۷**	۰/۰۱۹	۰/۰۰۳	۰/۰۳۷	۰/۱۰۸**	
میانگین	۲۳/۷۷	۷۸/۴۶	۲۰/۴۷	۶۷۳۲۴۲/۷۱	۲۲۶۴۹۴/۴۶	۸۶۷۹۰۷/۴۲
انحراف استاندارد	۵/۱۴	۱۱/۸۷	۴/۰۹	۴/۸۶	۲/۸۹	۵/۹۵

$P < 0/05$ * $P < 0/01$ **

جدول ۱ نشان می‌دهد سن، درآمد خانواده و هزینه‌های تحصیل رابطه منفی معنادار و پذیرش اجتماعی رابطه مثبت معنادار با انگیزه پیشرفت دارد. بین شهریه و انگیزه پیشرفت رابطه معناداری به دست نیامد. بنابراین تمامی متغیرها به جزء شهریه دارای همبستگی معنادار با انگیزه پیشرفت در جهت پیش‌بینی شده هستند و می‌توان با حذف شهریه از تحلیل رگرسیون استفاده کرد. برای بررسی سهم هر یک از متغیرها در تبیین واریانس

انگیزه پیشرفت، پذیرش اجتماعی، درآمد خانواده، هزینه‌های تحصیل و سن به عنوان متغیرهای مستقل و انگیزه پیشرفت به عنوان متغیر وابسته وارد معادله رگرسیون گردید. خلاصه مدل رگرسیون گام به گام در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲ خلاصه مدل رگرسیون گام به گام پذیرش اجتماعی، درآمد خانواده، هزینه‌های تحصیل و سن بر انگیزه پیشرفت

مراحل متغیر	R	R ²	B	خطای استاندارد	β	t	سطح معناداری
مدل اول پذیرش اجتماعی	۰/۱۲۶	۰/۰۱۶	۰/۳۶۴	۱۱/۸۰۰	۰/۱۲۶	۳/۹۲۲	۰/۰۰۰
مدل دوم درآمد خانواده	۰/۱۶۸	۰/۰۲۸	-۰/۱۱۱	۱۱/۷۳۲	-۰/۱۱۱	-۳/۴۸۱	۰/۰۰۱
مدل سوم هزینه‌های تحصیل	۰/۱۸۰	۰/۰۳۲	۰/۲۴۵	۱۱/۷۱۲	۰/۰۶۵	۲/۰۵۸	۰/۰۴۰
مدل چهارم سن	۰/۱۹۳	۰/۰۳۷	-۰/۱۶۴	۱۱/۶۸۸	-۰/۰۷۱	-۲/۲۱۹	۰/۰۲۷

نتایج تحلیل رگرسیون گام به گام در پیش‌بینی انگیزه پیشرفت از طریق پذیرش اجتماعی، درآمد خانواده، هزینه‌های تحصیل و سن نشان داد که در مدل اول پذیرش اجتماعی ۱۶٪ واریانس انگیزه پیشرفت را تبیین می‌کند. در مدل دوم درآمد خانواده وارد معادله رگرسیون شد و باعث تغییر R² به حدود ۲۸٪ شد. ورود هزینه‌های تحصیل به معادله رگرسیون، R² را به ۳۲٪ افزایش داد. و در نهایت در مدل چهارم، سن وارد معادله رگرسیون گردید که R² را به ۳۷٪ افزایش داد. در کل، متغیرهای تحقیق قادر به تبیین ۳۷٪ واریانس انگیزه پیشرفت بودند.

بحث و تفسیر

نتایج حاصل از آزمون همبستگی حاکی از آن است که سن، درآمد خانواده و هزینه‌های تحصیل رابطه منفی معنادار و پذیرش اجتماعی رابطه مثبت معنادار با انگیزه پیشرفت دارند. بین شهریه و انگیزه پیشرفت رابطه معناداری به دست نیامد. نتایج تحلیل رگرسیون گام به گام نشان داد که پذیرش اجتماعی ۱۶٪، درآمد خانواده ۱۲٪، هزینه‌های تحصیل ۴٪ و سن ۴٪ از واریانس انگیزه پیشرفت را تبیین می‌کنند. در کل پذیرش اجتماعی، درآمد خانواده، هزینه‌های تحصیل و سن قادر به تبیین ۳۷٪ واریانس انگیزه پیشرفت بودند.

یافته‌های این پژوهش در راستای نتایج تحقیقات پیشین از جمله جعفری (۱۳۸۵)، ابراهیمی (۱۳۸۴)، لواسانی، کیوانزاده و کیوانزاده (۱۳۸۶) و شکرکن (۱۳۸۳) بوده است. نتایج حاصل به صورت زیر قابل تبیین است:

در تقاضای آموزش عالی، پذیرش و مقبولیت از طرف همسالان و جامعه و ارزشها، نگرشها و باورهای حاکم در جامعه می‌توانند بر تقاضا برای آموزش نیز تأثیرگذار باشند. در جامعه‌ای که آموزش عالی و داشتن تخصص ارزش والایی به شمار می‌آید، طبیعی است که چنین نگرشی موجب افزایش تقاضای اجتماعی برای ورود به دانشگاه‌ها خواهد بود (اندرسون، ۱۹۸۳؛ نقل از اکبری، ۱۳۸۰). برخی از افراد پذیرش خود توسط دیگران را در گرو دستیابی به موقعیت اجتماعی می‌دانند که برای دیگران ارزشمند است. پذیرش اجتماعی فرد مستلزم همنوایی با دیگران است. همنوایی دو نوع است: همنوایی خصوصی که می‌توان آن را پذیرش حقیقی دانست، در توصیف مواردی به کار می‌رود که در آن نه تنها رفتار آشکار شخص هم‌نوا تغییر می‌کند، بلکه ذهن او نیز عوض می‌شود. همنوایی در این سطح به آن معناست که شخص معتقد شده است، نظر دیگران درست است. در مقابل همنوایی عمومی که بعضی اوقات تسلیم خوانده می‌شود، به تغییرات ظاهری و سطحی در رفتار اطلاق می‌شود. گاهی مردم در برابر فشار هنجاری مسلط با اعلام این که با دیگران موافق‌اند، خود را از خطر می‌رهانند در حالی که باطناً با نظر جمع موافق نیستند و رفتار آنان در خلوت با آنچه در جمع نشان می‌دهند، تفاوت دارد. فردی که همنوایی او واقعی یا خصوصی است همان تغییرات رفتاری را حتی وقتی در جمع حضور ندارد نیز حفظ می‌کند (کریمی، ۱۳۸۶). بنابراین افرادی که همنوایی بالاتری با باورهای جامعه دارند در واقع تمایل به پذیرش اجتماعی بیشتری دارند و این امر انگیزه پیشرفت را در آنها افزایش می‌دهد.

نتایج تحقیق حاضر رابطه منفی معناداری را بین درآمد خانواده و انگیزه پیشرفت نشان می‌دهد. به عبارت دیگر دانشجویانی که متعلق به خانواده با سطح درآمد بالاتر هستند در مقایسه با افراد دارای خانواده با درآمد کمتر، انگیزه پیشرفت کمتری دارند. باور حاکم در جامعه آن است که افراد تحصیل کرده عموماً مشاغل بالاتری را عهده‌دار می‌شوند، در دنیای کار، نردبان شغلی را با سرعت بیشتری می‌پیمایند و یا سریعتر در حوزه مدیریت و تصمیم‌گیری قرار می‌گیرند که به تبع آن درآمد بیشتری را احراز خواهند کرد. از طرف دیگر، در یک جامعه در حال تحول، نیروی کار موفق را افرادی تشکیل می‌دهند که مرتباً در خود سرمایه‌گذاری‌های آموزشی انجام داده، سطح تواناییها و مهارتها را توسعه دهند (اکبری، ۱۳۸۰). چنین نگرشی نیز موجب افزایش انگیزه در افرادی خواهد بود که از نظر سرمایه اقتصادی پشتوانه قوی ندارند.

هزینه‌های تحصیل نیز از عوامل تعیین کننده انگیزه پیشرفت بوده است. بر اساس نظریه سرمایه انسانی، یک تصمیم عقلایی برای انتخاب نوع بخصوصی از آموزش، عموماً به عوامل زیر بستگی دارد: هزینه مستقیم برای فرد، هزینه‌های غیرمستقیم آموزش (هزینه فرصت‌های از دست رفته و یا درآمدهای صرفنظر شده) در طول دوره آموزش، آینده شغلی این دوره‌ها پس از فراغت از تحصیل و رشد درآمدهای مورد انتظار پس از فراغت از تحصیل (زارع‌نژاد و انصاری، ۱۳۸۷). برداشت شخصی افراد از وضعیت شغلی در جامعه می‌تواند در انتخاب آموزش‌های بعدی آنها تأثیر مهمی داشته باشد. به طور کلی انتخاب نوع رشته و طول دوره تحصیل دانش‌آموزان تحت تأثیر عوامل زیر قرار می‌گیرد: میزان علاقه و تمایل افراد به آن رشته، درآمد مورد انتظار از آن شغل، سرعت امکان یافتن کار در این گونه مشاغل، سرعت رشد درآمدها در طی دوره اشتغال. زمانی که تحصیل مستلزم هزینه‌های مستقیم و غیرمستقیم باشد، افرادی حاضر به صرف چنین هزینه‌هایی خواهند بود که صرف هزینه در این مسیر را سرمایه‌گذاری تلقی کرده و انگیزه قوی در استفاده از این سرمایه در آینده داشته باشند.

در این پژوهش بین سن و انگیزه پیشرفت رابطه منفی معنادار به دست آمد. انگیزه دانشجویان دارای سن بالاتر بیشتر بیرونی بوده و به دلیل ارتقای شغلی و یا افزایش درآمد برای تحصیل ترغیب می‌شوند. نتایج تحقیق ابراهیمی (۱۳۸۴) و شهرآرای، فرزاد و زارعی (۱۳۸۴) نشان داد افراد دارای مکان کنترل درونی در مقایسه با افراد دارای مکان کنترل بیرونی انگیزه پیشرفت بالاتری دارند. برخی معتقدند که آموزش تحولات مهمی در شخصیت انسان بوجود می‌آورد و شناخت و جهان‌بینی او را تحت تأثیر قرار می‌دهد و درایت و آینده‌نگری او را تقویت می‌کند. بعضی دیگر آموزش را وسیله‌ای قلمداد می‌کنند که قادر است با انتقال دانش و ایجاد تخصص، تواناییهای فرد را گسترش داده و وی را برای بازار کار آماده نماید. هر دوی این طرز تفکرها و نگرشها می‌تواند درست باشد و به نحوی به انگیزه‌هایی تبدیل شود که تقاضا برای ورود به دانشگاه را ارتقاء بخشد. اما پس از ورود به دانشگاه هر چه انگیزه فرد درونی تر باشد میل به پیشرفت در او بیشتر خواهد بود.

در پژوهش حاضر لزوم رعایت حدود خاص در بررسی متغیرها، مانع از پرداختن به نقش متغیرهای دیگر از جمله متغیرهای روانشناختی، اجتماعی و خانوادگی شد. همچنین نمونه مورد بررسی فقط دانشجویان ورودی سال تحصیل ۸۸-۱۳۸۷ بوده است. لذا تعمیم نتایج به کل دانشجویان این دانشگاه باید با احتیاط صورت گیرد. انجام پژوهشهایی از این دست می‌تواند شناخت لازم را در زمینه عوامل تأثیرگذار بر انگیزه پیشرفت دانشجویان در اختیار مسوولین قرار دهد.

الف - فارسی

۱. ابراهیمی، محمد اسماعیل. (۱۳۸۴). رابطه کانون کنترل، ترتیب تولد، جنسیت و طبقه اجتماعی با انگیزه پیشرفت در دانشجویان ایرانی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره). پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته روانشناسی، دانشگاه تبریز، دانشکده علوم تربیتی.
۲. اکبری، نادر. (۱۳۸۰). تحلیل فضایی تقاضای اجتماعی (قابل تأمین) برای آموزش عالی در ایران. رساله دکتری رشته علوم اقتصادی، دانشگاه تربیت مدرس.
۳. باقری، اصغر. (۱۳۸۴). *روانشناسی تربیتی*. تهران: انتشارات فرهنگستان.
۴. تاجوند، اصغر. (۱۳۸۵). بررسی رابطه هوش، انگیزه پیشرفت، شیوه‌های فرزندپروری و مدت عضویت با عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان پایه دوم و سوم راهنمایی عضو کتابخانه‌های کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در شهر اهواز پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه شهید چمران اهواز، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی.
۵. جعفری، فاطمه. (۱۳۸۵). بررسی تطبیقی انگیزه پیشرفت در طبقات اجتماعی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی رشته، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
۶. زارع، حسین. (۱۳۷۳). بررسی رابطه بین انگیزه پیشرفت، جنسیت و عزت نفس. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته روانشناسی تربیتی، دانشگاه تربیت معلم دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی.
۷. زارع‌نژاد، محمد و انصاری، اکبر. (۱۳۸۷). بررسی رابطه علیت گرنجوی میان رشد اقتصادی و هزینه آموزش عالی در ایران. *فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران*، شماره ۳۷.
۸. سپاه منصور، مژگان. (۱۳۸۶). تأثیر آموزش مهارت‌های زندگی بر انگیزه‌ی پیشرفت، خود احترامی و سازگاری اجتماعی. *اندیشه و رفتار*، ۲ (۶)، ۹۳-۸۵.
۹. شاملو، سعید. (۱۳۸۵). *سلامت روانی*. تهران: انتشارات نی.
۱۰. شکر کن، علی‌اصغر. (۱۳۸۳). *انگیزه پیشرفت*. تهران: انتشارات نی.
۱۱. شولتز، د.، شولتز، س. ا. (۱۳۷۹). *نظریه‌های شخصیت*. یحیی سید محمدی، مترجم. تهران: نشر ویرایش. تاریخ انتشار اثر به زبان اصلی، ۱۹۹۸.
۱۲. شهرآرای، مهرناز.، فرزاد، ولی ا.،،، زارعی، علیرضا. (۱۳۸۴). رابطه بین سبک‌های اسنادی و انگیزه پیشرفت تحصیلی در دانش‌آموزان سال دوم رشته ریاضی. فصلنامه روانشناسی تحولی: روانشناسان ایرانی، شماره ۴، تابستان ۱۳۸۴ ص ۲۶۷-۲۷۷.
۱۳. ثمری، عیسی، رسول‌زاده، بهزاد. (۱۳۸۷). بررسی متغیرهای اثرگذار بر افزایش انگیزه پیشرفت و کسب موفقیت در مدیران تعاونی‌ها. *نشریه مدیریت دولتی*، دوره ۱، شماره ۱، ۳۲-۵۰.

۱۴. طاهری، ژاله، مقامی حمیدرضا. (۱۳۸۷). بررسی مقایسه انگیزه پیشرفت، سلامت روان و خودپنداره تحصیلی دانشجویان رشته روان‌شناسی دانشگاه‌های دولتی، آزاد و غیرانتفاعی شهر تهران در سال تحصیلی ۸۳-۸۴. *پژوهش در نظام‌های آموزشی*، ۳(۴)، ۴۵-۶۲.
۱۵. صالح صدق‌پور، بهرام، محمودیان، مجید. و سلمانیان، حمیدرضا. (۱۳۸۸). بررسی تأثیر آموزش آموزه‌های دینی بر بهبود پذیرش اجتماعی. *فصلنامه تخصصی پژوهش‌های میان رشته‌ای قرآنی*. ۱(۲)، ۱۷-۲۶.
۱۶. کریمی، یوسف. (۱۳۸۶). *روان‌شناسی اجتماعی، نظریه‌ها، مفاهیم و کاربردها*. تهران: انتشارات ارسباران.
۱۷. لواسانی، غلامعلی، کیوان‌زاده، محمد. و کیوان‌زاده، هدیه. (۱۳۸۶). رابطه فعالیت تحصیلی، انگیزه پیشرفت، هوش هیجانی و متغیرهای بافتی با پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان. *مجله روانشناسی و علوم تربیتی* دانشگاه تهران، ۳۷ (۱)، ۹۹-۱۲۳.

ب - انگلیسی

1. Busato, V.V., Prins, F.J., Elshout, J.J., Hamaker, C. (2006). Intellectual ability, learning style, personality, achievement motivation and academic success of psychology students in higher education. *Personality and Individual Differences*, 29, 1057-1068.
2. Baker, S.R. (2003). A prospective longitudinal investigation of social problem solving appraisals on adjustment to university, stress, health, and academic motivation and performance. *Personality and Individual Differences*, 35, 569-591.
3. Bruinsma, M. (2004). Motivation, cognitive processing and achievement in higher education. *Learning and Instruction*, 14, 549-568.